

مقاله پژوهشی:

طراحی الگوی مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی

مبثنی بر روش تحقیق تکاملی

اسماعیل شاطری^۱، علی اکبر احمدیان^۲، عباس چهاردلی^۳، محمدرضا نواب اصفهانی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۶

چکیده

ابتنای به علم، لازمه ادامه حیات و بالندگی انقلاب اسلامی و شکل‌دهی به تمدن نوین اسلامی است؛ نه مسائل جاری بدون تکیه به علم به‌طور مستمر قابل حل است و نه تمدن‌سازی بلندمدت امکان‌پذیر؛ هدف این مقاله طراحی و تدوین الگوی مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی است. این تحقیق به لحاظ هدف، راهبردی و از منظر روش از نوع تحقیقات کیفی به‌شمار می‌آید. محقق با بهره‌مندی از روش تحقیق تکاملی در یک چارچوب کلان ابتدا ابعاد متصور از مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی را تبیین کرد و سپس با رویکرد استقرایی از تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسناد بنیادین انقلاب اسلامی و پاسداری از آن و سایر اسناد بالادستی مرتبط و همچنین مرور ادبیات مدیریت راهبردی دانش و ... نسبت به تبیین مفاهیم، سازه‌ها، ابعاد، مولفه‌ها و نظام موضوعات عرصه مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری در قالب الگو اقدام کرده و در نهایت الگویی سه وجهی در ابعاد سه گانه آثار، محتوا و ارکان ارائه نماید. حفظ دستاوردها، مقابله با تهدیدات و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را در ذیل آثار (پاسداری از انقلاب)؛ انواع دانش پاسداری در سه نوع دانش پایه (حل مسأله)، دانش هوشمندساز (میانبر) و دانش تمدن‌ساز (نوآورانه) را ذیل محتوا تعریف و در چارچوب ماتریسی دو بعدی در یکدیگر ضرب نموده و با تولید سازه‌های جدید، ابتدا سطح کلان نقشه نیازمندی‌های دانشی پاسداری از انقلاب را ترسیم و سپس با تعیین مولفه‌های جهت‌ساز، توانمندساز و اجرایی در ذیل ارکان، بسته فعالیت‌های ۲۷ گانه برای مدیریت راهبردی تولید دانش‌های مورد نیاز عرصه پاسداری را پیشنهاد نماید.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، پاسداری از انقلاب اسلامی، دانش، تولید دانش.

۱. دانش‌آموخته رشته مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول؛ رایانامه: shateri88@gmail.com

۲. استاد دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۳. دانشیار عضو هیات علمی دانشگاه عالی دفاع ملی.

۴. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مقدمه

توسعه روزافزون انقلاب اسلامی و ظهور و بروز فرصت‌ها و تهدیدات نو، پیچیده، ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی؛ ابعاد متعدد، متنوع و متفاوتی از پاسداری را فراروی جبهه انقلاب اسلامی قرار داده و جهش چندین برابری سپاه را در راستای انجام ماموریت‌های متأثر از آن ضروری ساخته و در گام دوم انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را ملزم نموده است تا ضمن بهره‌مندی از آموزه‌های حاصل از تجربیات گذشته، از طریق نوآوری و پیمودن راه‌های میان‌بر و نرفته ناشناخته‌ها را کشف، مرزهای دانش را شکسته و افق‌های جدید علمی را به گونه‌ای بگستراند که قابلیت‌های نقش‌آفرینی در تراز تمدنی را ایجاد و ارتقاء دهد.

اما رسیدن به چنین هدفی، مستلزم وجود دانش‌های متناسب در تمام عرصه‌های پاسداری است که براساس مبانی اسلامی و با هدف حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی، مقابله با تهدیدات نو، پیچیده، ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی و در نهایت پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی تا ایجاد آمادگی برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تمدن‌سازی نوین اسلامی است؛ اما از آنجایی که دانش‌های موجود برای چنین اهدافی ایجاد نشده‌اند، تحول در آن امری گریزناپذیر است و بضاعت جمعی متشکل از تمامی سرمایه‌های دانشی انقلاب اسلامی را می‌طلبد؛ به عبارت دیگر با بضاعت جمعی است که دانش، تولید یا متحول می‌شود، نه به وسیله یک فرد یا سازمان؛ برای اینکه این بضاعت جمعی در مسیری واحد به تحول دانش‌های موجود و تولید دانش جدید بپردازند، نیاز به الگویی در سطح راهبردی و با هدف دستیابی به دانش پاسداری از انقلاب اسلامی است.

از این رو، این مقاله با تمرکز بر ساحت مدیریت بر تولید دانش پاسداری، به دنبال طراحی الگوی راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی از طریق شناسایی ابعاد، مولفه‌ها و تعیین نظام موضوعات است.

مبانی نظری تحقیق

پیشینه‌یابی تحقیق

پژوهش فاطمی‌امین (۱۳۹۹) در چارچوب مدیریت تولید علم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به برخی از مسائل تولید علم در ایران پرداخته و بیان داشته که راه‌حل این مسائل استقرار جسته و گریخته سازوکارهایی مانند نظام نوآوری نیست؛ نمی‌توان محصولات تمدن غرب را منفصل از زمینه‌ها در هر جامعه-ای (به‌ویژه با اصول و ارزش‌های متفاوت) پیاده‌سازی کرد. مسائل سامانه تولید علم در ایران، عمیق‌تر از آن

است که بتوان با اصلاحات جزئی و تدریجی آنها را حل کرد. مسائل تولید علم ناشی از ساختارها و رفتارهای معیوب سامانه تولید علم بوده و باید در سطحی بالاتر، به شناسایی و حل «مسائل مدیریت تولید علم» پرداخت؛ سپس در نهایت به فعالیت‌های راهبردی تولید علم در کشور که شامل مواردی از قبیل: پایش؛ مدیریت عملکرد؛ تأمین منابع؛ نظارت ویژه بر زیرسامانه اولویت‌یابی و داوری؛ تنظیم سامانه (با استفاده از ابزارهای تخصیص منابع)؛ رتبه‌بندی؛ هماهنگی بین بخشی؛ پیگیری الزامات محیطی؛ احراز صلاحیت و صدور گواهی؛ پیشنهاد اصلاح و بازنگری ساختار سامانه تولید علم را ارائه نموده است. همچنین تحقیقی با عنوان طراحی الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه امامین انقلاب اسلامی که توسط نجاران طوسی در دانشگاه جامع امام حسین^{علیه السلام} به انجام رسیده است. طی این پژوهش محقق تلاش نموده است تا با تبیین الگوی نسل اول، دوم و سوم دانشگاه با بهره‌مندی از منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، در چارچوب الگوی دانشگاه‌های نسل چهارم، الگویی از دانشگاه تمدن‌ساز را ارائه نماید (نجاران طوسی، ۱۳۹۶). خانی و همکاران نیز در قالب پژوهشی با عنوان "تحول در نظام تولید علوم اجتماعی چهارچوبی برای تحلیل" بر بایسته‌ها و پیش‌نیازهای تحول علوم انسانی، و با تمرکز بر علوم اجتماعی می‌کوشد با شناسایی ویژگی‌های این علوم از یکسو و در نظر داشتن علوم اجتماعی اسلامی به عنوان هدف تحول، رویکردی نو و جامع را عرضه کند. رویکردی که بر تحول نظام تولید علم تمرکز داشته و لازمه‌ی دستیابی به علم مطلوب را در گرو ورود نهاد تولید علم به عرصه‌ی نوآوری هدفمند برای حل مسائل عینی اجتماعی در چهار سطح: روش، نظریه، هندسه‌ی معرفتی و نظام تولید علم می‌داند؛ فرایندی دیالکتیکی که میان عینیت اجتماعی و تولید علم در مسیر دستیابی به علوم مبتنی بر مبانی نظری و فرهنگ اسلامی ایرانی است (خانی و همکاران، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر، با عنوان "به سوی پارادایمی جدید از علم؛ تأملی انتقادی در باب ماهیت فراعلمی الگوی دوم تولید علم" حاجی خواجه‌لو بازخوانی جایگاه دانش در هر دو الگوی اول و دوم دانش و شناسایی مفروضات آنها و در نهایت، تأمل انتقادی در باب ماهیت فرادانشی الگوی دوم تولید (با تأکید بر بخش بازار - صنعت) ارائه شده است. این نوع نگاه به دانش (تولید دانش در زمینه‌ای کاربردی) هر چند توأم با فرصت‌ها است اما با تهدیدهایی نیز روبرو است. نگارنده با روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسیده است که: الگوی دوم تولید دانش با استفاده از سه مقوله مهم «ارزش‌های بنیادین دانش»، «تمامیت نهادی دانشگاه» و «مأموریت‌های آموزش و پژوهش» مورد بررسی قرار گرفته است (حاجی خواجه‌لو، ۱۳۹۰).

مفهوم شناسی

در این بخش از مقاله، محقق به تعریف مفاهیم اساسی تحقیق پرداخته است:

الگوی راهبردی^۱

الگوی راهبردی عبارت است از طرح ترسیمی منطقی و هنرمندانه که از واقعیت گرفته شده است و رابطه‌های بین متغیرها (ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌ها) را نشان می‌دهد. از این الگو می‌توان برای پیش‌بینی و تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کلان بهره‌مند شد (الگوی راهبردی پیشرفت اسلامی - ایرانی، ۱۳۸۹: ۳۱، ۳۶).

دانش^۲

بر اساس مطالعات گذشته، کسانی که سعی در تعریف دانش می‌نمایند، در چهار دسته زیر قابل تقسیم‌بندی هستند:

گروه اول؛ کسانی که دانش را برحسب نظریه اطلاعات تعریف می‌کنند؛ این گروه بر این باورند دانش اطلاعات‌مدار بوده و از طریق مدیریت اطلاعات تولید می‌شود.

گروه دوم؛ کسانی هستند که دانش را برحسب فلسفه، روانشناسی و جامعه‌شناسی تعریف می‌کنند. گروه سوم؛ کسانی هستند که دانش را به‌عنوان نظام غالب فکری و اندیشه یا معرفتی توصیف می‌کنند. دانش یک باور و صادق تصدیق شده است. جوهر دانش را نمی‌توان از کسی به کسی انتقال داد، بلکه باید از روش جستجو و اکتشاف به آن رسید. انسان مفهوم جدید و ناشناخته‌ای را نمی‌تواند بیاموزد، مگر آنکه بتواند آن را با دانش پیشین خود که در ذهن دارد و از تجربیات واقعی او به دست آمده، پیوند دهد. گروه چهارم؛ کسانی که دانش را در مرز علم تعریف می‌نمایند و دایره شمول آن را به‌نوعی محدود به یافته‌های علمی و تخصصی در حرفه‌ای خاص می‌نمایند. این مفهوم دانش بسی وسیع‌تر و گسترده‌تر از علم است. علم می‌تواند نوعی خاص از دانش یا معرفت بشری باشد.

دانش را می‌توان مخلوط سیالی از علم، تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام‌یافته دانست که چارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات، تجزیه و تحلیل رویدادها، اطلاعات جدید و نحوه روبه‌رو شدن با وقایع را به دست می‌دهد (داونپورت و پروساک، ۱۳۷۹).

1. strategic pattern
2. knowledge

در مجموع دانش: به مجموعه‌ای از نظریات، الگوها، راهبردها و روش‌هایی گفته می‌شود که به‌کارگیری آن منجر به شناسایی، توصیف و تبیین نظام نیازمندی‌ها، مسائل و موضوعات عرصه پاسداری از انقلاب اسلامی شده و نحوه مواجهه با آنها را تجویز می‌کند.

دانش راهبردی

در نوع شناسی دانش، رویکردهای مختلفی در ادبیات مدیریت راهبردی دانش مطرح شده است؛ ولی در این مجال با توجه به تمرکز تحقیق بر سطوح راهبردی از انواع دانش، بر دانش راهبردی تاکید شده و به دانشی که مدیران راهبردی برای اداره و تصمیم‌گیری‌های کلان و انجام وظایف خود در سطح راهبردی به آن نیاز دارند؛ گفته می‌شود که می‌توان آن را در سه گروه تقسیم‌بندی نمود:

دانش پایه؛ حداقل میزان و سطح دانش مورد نیاز برای باقی ماندن در عرصه کسب و کار است. این میزان از قابلیت دانشی، باقی ماندن در عرصه رقابت را در طولانی مدت تضمین نمی‌کند.

دانش پیشرفته؛ دانشی که سازمان‌ها می‌توانند به پشتوانه آن رقابتی باقی بمانند.

دانش خلاقانه؛ دانشی است که سازمان‌ها را توانمند می‌سازد تا رهبری صنعت را به دست بگیرند و بتوانند بر قواعد بازی کسب و کار تاثیرگذار بوده و گاهی این قواعد را تغییر دهند.

نکته قابل توجه این است که دانش ایستا نیست، بلکه آنچه که امروزه دانش خلاقانه می‌باشد در آینده- ای نه چندان دور، دانش پیشرفته خواهد بود و دانش پیشرفته، دانش پایه خواهد بود (رک به نقل از کشتکار و نریمانی، ۱۳۹۲).

مدیریت راهبردی دانش

مدیریت راهبردی دانش، شامل فرآیندهای تدوین، پیاده‌سازی و اجرا و کنترل و ارزیابی راهبردی است. از نظر ماهیتی نیز مدیریت راهبردی دانش، علم و هنر شناسایی منابع دانشی مورد نیاز در وضعیت مطلوب و تجزیه و تحلیل منابع مزبور در شرایط موجود برای تأمین بهینه دانش ضروری برای حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب است (چهاردولی و همکاران، ۱۳۹۹).

تولید دانش

کشف ناشناخته‌ها و یافته‌های دانشی جدید که در اثر جوشش و تراوش درونی ذهن‌های فعال حاصل شده و موجب رویش و آفرینش علم، گسترش، بسط و شکستن مرزهای دانش و نیز دستیابی به ژرفاهای

علم و دانش^۱ می‌شود. این رویش و آفرینش علمی می‌تواند از طریق رفتن راه‌های نارفته و میان‌بر^۲ میسر گردد و موجبات تامین نیازها و اهداف، حل معضلات و مسائل کشور و نیز ارتقای علم در جامعه شود. یکی از راه‌آوردها و پیامدهای تولید علم، رهایی از اسارت و وابستگی علمی و نیل به استقلال علمی و در نهایت کسب "مرجعیت علمی" خواهد بود (قنذاقی، ۱۴۰۰).

فارغ از اینکه علم و دانش اسلامی باشد یا سکولار، در علوم انسانی باشد یا علوم مهندسی و پایه، به معنای تغییر مرزهای دانش در یک رشته است. مرزهای دانش زمانی تغییر کرده است که با علم و دانش تولید شده، بشر قادر به حل مسایل جدید، تولید فناوری و محصولات جدیدی شود که با علم و دانش پیشین امکان آن فراهم نبود، بنابراین انتقال به نسل جدید و یا کاربرد جدید علم و دانش گذشته، تولید علم و دانش نیست.

پاسداری از انقلاب اسلامی

پاسداری در واقع متضمن دو معنا است؛ یک معنای پاسداری یعنی حراست کردن و حفاظت کردن و معنای دیگر پاسداری یعنی گرامی‌داشتن، پاسداشت کسی یا چیزی را داشتن؛ معنای پاسداری از انقلاب، فقط حفاظت از انقلاب نیست؛ بلکه به معنای گرامی‌داشتن انقلاب، بزرگ داشتن انقلاب هم هست.^۳

پاسداری از انقلاب اسلامی به سه روش و شیوه انجام می‌گیرد. یکی از روش‌ها این است که از دستاوردهای انقلاب اسلامی حفاظت و حراست شود و آنچه که تاکنون به‌دست آمده است، نظیر اسلامی بودن و مردمی بودن از بین نرود. روش دوم پاسداری این است که انقلاب اسلامی در معرض تهدید و نفوذ دشمن قرار دارد و اگر در مقابل تهدید، ایستادگی و مقاومت از جانب ملت صورت نگیرد، انقلاب به نتیجه نخواهد رسید. روش سوم، پیش‌برندگی انقلاب اسلامی است، یعنی انقلاب در حال حرکت به سمت اهداف نهایی و آرمانی است. انقلاب نیاز به پیشرفت دارد و پاسداری از انقلاب به معنی حالت پیشرفت و پیش‌برندگی است.^۴

۱. اینکه من گفتم تولید علم... معنایش این است که ما خط مرز دانش را بشکنیم، باز کنیم و آفاق جدیدی را فتح کنیم. (امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۸۳/۱۲/۰۵).

۲. تولید علم یعنی رفتن از راه‌هایی که به نظر، راه‌های نارفته‌ای است... باید دقت کنیم، فکر کنیم و به دنبال کشف ناشناخته‌ها باشیم. باید راه‌های میان‌بر را پیدا کنیم و از بدعت و نوآوری در وادی علم، بیمناک نباشیم (امام خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۸۲/۰۲/۲۲).

۳. حدیث ولایت، بیانات فرماندهی معظم کل قوا: ۹۴/۶/۲۵.

۴. حدیث ولایت، بیانات فرماندهی معظم کل قوا: ۹۰/۴/۱۳.

روش‌شناسی تحقیق

نوع تحقیق حاضر؛ بر اساس هدف، توسعه‌ای - کاربردی، بر اساس ماهیت داده‌ها، کیفی و بر اساس روش‌های جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، اسنادی است. روش انجام تحقیق، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر روش تحقیق تکاملی است.

روش تحقیق تکاملی بر مبنای فلسفه اصالت ولایت ایجاد شده است و از نوع روش تحقیق-های آمیخته است؛ برای جمع‌آوری داده‌های کیفی، تحلیل و ترکیب یافته‌های حاصل از آن استفاده شده است که این روش مبتنی بر این نگرش فلسفی نسبت به تحلیل حرکت استوار است که هر پدیده متغیری لزوماً از سه بعد تشکیل یافته است؛ این سه بعد عبارت‌اند از: زمان، مکان و نسبت بین زمان و مکان؛ زمان ناظر به تغییرات و جهت موضوع است، مکان ناظر به ساختار موضوع است و نسبت بین زمان و مکان در قالب آثار یا کارآمدی موضوع قابل شناسایی است (پیروزمند ۱۳۸۷: ۶۶-۶۸ و ۹۳-۹۸).

طبق این دستگاه، هر موضوع حداقل سه بعد دارد، این سه بعد به وسیله جدول ماتریس در هم ضرب و بدین وسیله اوصاف آن به هم متقوم می‌شود. در اولین مرحله از ضرب سه بعد در همدیگر، سه قید دوبخشی حاصل می‌شود؛

بر اساس این روش تحقیق به‌طور کلی یک الگو شامل سه بخش است:

بخش اول؛ شامل متغیرهای موثر بر موضوع مورد بررسی، تعیین نسبت آنها به هم و سهم تأثیر آنها در موضوع است (الگوی وصفی، مولفه‌ها)؛ نظام اوصاف بیانگر ویژگی‌هایی است که از شی انتظار داریم. بنابر ادبیات روش تحقیق موجود این مرحله فرضیه‌سازی است.

بخش دوم که مبتنی بر الگوی وصفی است، نظام موضوعات شناسایی شده و اولویت‌بندی می‌شوند (الگوی موضوعی)؛ موضوع، نمود واقعی و تجسم خارجی دارد.

و در پایان شاخصه‌های نظام موضوعات، جهت شناسایی در عینیت معین می‌شوند (نظام شاخصه)، (پیروزمند و علیخانی ۱۳۹۶).

جدول ۱: اجزاء روش تحقیق تکاملی

تعیین متغیرهای موثر بر موضوع مورد بررسی، تعیین نسبت آنها به هم و سهم تأثیر آنها در موضوع.	الگوی وصفی (مولفه‌ها)
مبتنی بر الگوی وصفی، تعیین نظام موضوعات و اولویت‌بندی آنها.	الگوی موضوعی
تعیین شاخصه‌های نظام موضوعات جهت شناسایی در عینیت.	نظام شاخصه

فرآیند ایجاد الگوی وصفی (مؤلفه‌ها)

هدف از ایجاد علم، تصرف در عینیت است؛ به عبارت دیگر، علم معادله تغییر و تصرف در عینیت است.

برای ایجاد تغییر در یک موضوع، نیاز به تعریف آن داریم؛ به عبارت دیگر در صورتی که موضوعی را توصیف کنیم، می‌توانیم برای آن معادله تغییر یا تصرف داد.

در تعریف، اوصاف و ویژگی‌های موضوع شناخته می‌شود. این اوصاف و ویژگی‌ها در قالب مفاهیم و اصطلاحات بیان می‌شود؛ بنابراین، بن‌مایه اولیه علوم، مفاهیم یا اصطلاحات هستند.

اجزای یک الگوی وصفی عبارت است از: «مفاهیم (اصطلاحات)، تعریف و معادله».

در مفاهیم، مولفه‌های سه بعد یک موضوع شناسایی شده و با ضرب در قالب جدول ماتریس، مولفه‌ها به یکدیگر مرتبط شده و نسبت بین ابعاد مشخص می‌شود. در این حالت گفته می‌شود که ابعاد به یکدیگر متقوم شده‌اند (پیروزمند و جهانبخش، ۱۳۹۷).

مثال: «A,B,C» را ابعاد یک موضوع فرضی و «a1,a2,a3» را مولفه‌های بعد A، «b1,b2,b3» را مولفه‌های بعد B، «c1,c2,c3» را مولفه‌های بعد C در نظر می‌گیریم. در قالب جدول ماتریس به صورت ذیل ابعاد به هم متقوم می‌شوند:

جدول ۲: جدول متقوم شدن ابعاد و مولفه‌ها

a3			a2			a1			A B C
b3	b2	b1	b3	b2	b1	b3	b2	b1	
a3 b3 c1	a3 b2 c1	a3 b1 c1	a2 b3 c1	a2 b2 c1	a2 b1 c1	a1 b3 c1	a1 b2 c1	a1 b1 c1	c1
a3 b3 c2	a3 b2 c2	a3 b1 c2	a2 b3 c2	a2 b2 c2	a2 b1 c2	a1 b3 c2	a1 b2 c2	a1 b1 c2	c2
a3 b3 c3	a3 b2 c3	a3 b1 c3	a2 b3 c3	a2 b2 c3	a2 b1 c3	a1 b3 c3	a1 b2 c3	a1 b1 c3	c3

با توجه به کیفی بودن تحقیق حاضر، اعتبارسنجی نتایج تحقیق و اشباع نظری از طریق ارائه نتایج و یافته‌ها به ۲۱ نفر از متخصصان، اندیشمندان و اساتید مربوط، به صورت فردی و یا ارائه در نشست‌های هم‌اندیشی و اندیشه‌ورزی متعدد، انجام گرفته است.

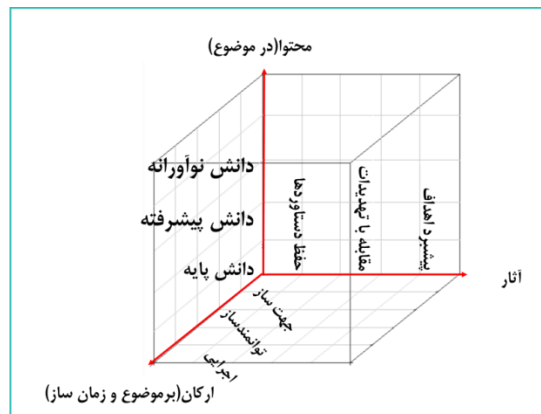
یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

محقق با بهره‌مندی از روش تحقیق تکاملی در یک چارچوب کلان ابتدا ابعاد متصور از مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی را تبیین و سپس با رویکرد استقرایی از تحلیل داده‌های (کدهای آزاد) مبتنی بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسناد بنیادین انقلاب

اسلامی و پاسداری از آن و سایر اسناد بالادستی مرتبط و ... ، نسبت به تبیین مفاهیم، سازه‌ها، ابعاد، مولفه‌ها و نظام موضوعات عرصه مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی در قالب الگوی مدیریت راهبردی تولید دانش، اقدام نماید.

از این رو، بر اساس یک الگوی بالادستی، ابعاد موضوع تعیین و تبیین شده و بر اساس آن برای یافتن مؤلفه‌های هر بعد به تعداد خاص (هر بعد سه مؤلفه)، به مطالعه موضوع پرداخته شد. این سه بعد عبارتند از: «توسعه، ساختار و کارکرد» که باید مؤلفه‌های این سه بعد انتخاب شده و ارتباط بین آن‌ها برقرار می‌گردید. قابل ذکر است از آنجا که متناظر با موضوع مورد بحث، نام-های عینی تری به جای «توسعه، ساختار، کارکرد» می‌توان پیشنهاد داد، بنابراین در «الگوی مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی» به جای «توسعه، ساختار و کارکرد»، به ترتیب از سه نام «ارکان، فرآیند یا محتوا و آثار یا پیامد» استفاده شد.

مؤلفه‌های سه بعد «ارکان، فرآیند و آثار» با «گمانه، گزینش، پردازش» بر روی ادبیات تحقیق حاصل شده است و به‌طور کلی الگو در سه رکن «مدیریت راهبردی تولید، محتوای دانش و پیامد(پاسداری از انقلاب اسلامی: حفظ دستاوردها، مقابله با تهدیدات، پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی)» ارائه گردید؛ همچنان‌که ملاحظه می‌شود، رکن مدیریت راهبردی متناظر با بعد ارکان است و شامل مؤلفه‌های مدیریتی است؛ رکن دانش، متناظر با بعد فرآیند و محتواست و شامل مؤلفه‌های دانشی است؛ رکن تراز انقلاب اسلامی، متناظر با بعد آثار است و شامل مؤلفه‌هایی است که برگرفته از بیانیه گام دوم انقلاب بوده و تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی و ... را بیان می‌کند که در نمودار سه وجهی زیر نمایش داده شده است:



شکل ۱: الگوی سه وجهی مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی

که در ادامه به اجمال، هر یک از ابعاد الگوی سه وجهی فوق، تبیین گردیده است:

الف) بعد اثر

محقق به منظور شفاف‌سازی مفهوم پاسداری از انقلاب اسلامی در گام دوم انقلاب، منابع زیر را مبنا قرار داده و در دو گام و به شرح زیر ابتدا بر اساس کدهای استخراج شده، مفاهیم استنباط شد، سپس با هدف ایجاد تفسیر یکپارچه و جدید از یافته‌ها، تا رسیدن به بهترین توصیف برای مفهوم پاسداری از انقلاب اسلامی در قالب مقوله‌ها فرایند دنبال شد:

- ۱) بیانات، فرامین و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا^۱
- ۲) سند بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
- ۳) سند بنیادین انقلاب اسلامی و پاسداری از آن^۲
- ۴) نظریه نظام انقلابی استنتاج از منظومه فکری رهبر معظم انقلاب (خسروپناه و مومنی، ۱۳۹۹).

جدول ۳: مفاهیم، مقوله‌ها و مضمون بعد اثر

مضمون	مقوله‌ها	مفاهیم
ارتقاء پاسداری از انقلاب اسلامی	حفظ انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن	حفظ استمرار، صبرورت و تحول دائمی انقلاب؛ حفظ مردمی بودن و اسلامی بودن انقلاب؛ گرامیداشت و حفظ انقلاب و دستاوردهای آن؛ پایان دان به انحطاط تاریخی بلندمدت؛ حفظ ثبات، امنیت و تمامیت ارضی ایران؛ رشد در عرصه علم و فناوری و زیرساخت‌های حیاتی اقتصادی و عمرانی؛ افزایش مشارکت مردمی و سابقه خدمت رسانی؛ ارتقاء بینش سیاسی مردم؛ سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی؛ افزایش معنویت و اخلاق در فضای عمومی؛ ایستادگی در برابر مستکبران جهانی و
	مقابله با تهدیدات پیش رو	مقابله با هرگونه تهدید و تعرض؛ ضرورت دفاع همه جانبه از حریم کشور اسلامی؛ ایستادگی و مقاومت از جانب ملت در برابر تهدیدات؛ ضرورت مقابله با نفوذ فرهنگی و سیاسی دشمن؛ مقابله با تهدیدات سخت، نیمه سخت و نرم؛ مقابله با

۱. محقق به مجموعه بیانات معظم له از ابتدای سال ۱۳۵۹ تا بهمن ماه سال ۱۳۹۹ که در قالب نرم افزار حدیث ولایت منتشره از مرکز تحقیقات اسلامی نور (قم) توجه نموده است.

۲. این سند مبتنی بر تدابیر و بیانات امامین انقلاب اسلامی در دو جلد در سال ۱۳۹۷ توسط معاونت طرح و برنامه-ریزی راهبردی سپاه تدوین شده است.

مضمون	مقوله‌ها	مفاهیم
		تهدیدات بیولوژیکی و زیست محیطی؛ مقابله با تهدیدات سایبری و
	پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ضرورت پیشرفت دایمی در تقویت استحکام درونی و ارتقای عزت ملی؛ حفظ حالت پیش روندگی و پیش برندگی انقلاب در گام دوم؛ امید بخشی به جوانان و تمرکز بر عرصه‌های هفتگانه: (۱) علم و پژوهش؛ (۲) معنویت و اخلاق؛ (۳) اقتصاد؛ (۴) عدالت و مبارزه با فساد؛ (۵) استقلال و آزادی؛ (۶) عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن؛ (۷) سبک زندگی و

ب) بعد محتوا (یا دانش)

در این بخش، محقق به منظور شفاف‌سازی مفهوم دانش به‌ویژه دانش راهبردی به مبانی نظری موضوع مراجعه کرده و ابتدا در گام اول بر اساس کدهای استخراج شده، مفاهیم استنباط شد و در گام دوم با هدف ایجاد و تفسیر یکپارچه و جدید از یافته‌ها، به‌نحوی طبقه‌بندی مناسبی ارائه گردید تا بهترین توصیف برای دانش پاسداری در قالب مقوله حاصل و نتیجه آن در قالب ماتریس زیر ارائه شود که نتیجه ضرب این دو بعد، جدول ماتریسی زیر است که تولید ۹ مفهوم مرکب را نمایش می‌دهد.

جدول ۴: بسط مفهومی (ماتریس دوبعدی/ سطحی) انواع دانش پاسداری از انقلاب اسلامی

آثار	محتوا	دانش نوآورانه	دانش پیشرفته	دانش پایه
پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش نوآورانه برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش پیشرفته برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش پایه برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	
مقابله با تهدیدات	دانش نوآورانه برای مقابله با تهدیدات	دانش پیشرفته برای مقابله با تهدیدات	دانش پایه برای مقابله با تهدیدات	
حفظ دستاوردها	دانش نوآورانه برای حفظ دستاوردها	دانش پیشرفته برای حفظ دستاوردها	دانش پایه برای حفظ دستاوردها	

در مجموع، نتیجه تحلیل مبانی نظری، ماتریس فوق را به شرح زیر می‌توان تبیین کرد: از یک نگاه می‌توان دانش پاسداری از انقلاب اسلامی را دانشی راهبردی دانست که انقلاب اسلامی در تراز سازمانی، ملی و فراملی برای حفظ دستاوردها، مقابله با تهدیدات و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی بدان نیازمند است؛ که می‌تواند به سه گروه تقسیم بندی شود:

- ۱) دانش حل مساله (پایه)؛ دانشی که برای حل مسائل جاری و حفظ دستاوردهای پاسداری از انقلاب اسلامی مورد نیاز است (این میزان از قابلیت دانشی و باقی ماندن در این عرصه در طولانی مدت توفیق در پاسداری را تضمین نمی‌کند).
- ۲) دانش هوشمندساز (میانبر)؛ دانشی که انقلاب اسلامی را در تراز جهانی و در تقابل با رقبای تمدنی و جبهه استکبار روزآمد نگاه داشته و ضمن آنکه آن را از غافلگیری راهبردی مصون می‌سازد؛ می‌تواند با اتخاذ موضعی پذیرا، نقاد و انتخابگر، نسبت به بهره‌برداری از دانش‌های روز اقدام نماید.
- ۳) دانش تمدن‌ساز (نوآورانه)؛ دانشی است که انقلاب اسلامی را توانمند می‌سازد تا در عرصه پیش‌روندگی و پیش‌برندگی به مسیر خود ادامه داده و بتواند بر قواعد میدان پاسداری از انقلاب اسلامی در تمامی سطوح تاثیرگذار بوده و در راستای ساخت آینده‌های مطلوب که همان تمدن‌سازی نوین اسلامی است گام برداشته و قواعد را نیز در این مسیر تغییر دهد.
- نکته قابل توجه این است که دانش، ایستا نیست؛ بلکه آنچه که امروزه دانش خلاقانه است در آینده‌ای نه چندان دور، دانش پیشرفته خواهد بود و دانش پیشرفته، دانش پایه خواهد بود؛ لذا دائماً باید در این سیر، روز به روز نوشونده شود.
- بر مبنای تقسیم‌بندی بالا، ارزیابی وضعیت فعلی دانش پاسداری از انقلاب اسلامی را در مقایسه با رقبا و دشمنان، می‌توان در قالب شکل زیر به نمایش گذاشت:



شکل ۲: انواع دانش (راهبردی) پاسداری از انقلاب اسلامی و کارکردهای آن (ترسیم نگارنده)

با شفاف شدن انواع دانش‌های عرصه پاسداری از انقلاب اسلامی، در یک گام می‌توان با بسط مفهومی مبتنی بر منابع تولید، ماتریس زیر را تولید و به نمایش گذاشت:

جدول ۴: بسط مفهومی (ماتریس دوبعدی / سطحی) انواع دانش پاسداری از انقلاب اسلامی مبتنی بر منبع تولید

انواع دانش / منبع	دانش نوآورانه	دانش پیشرفته	دانش پایه
وحيانی	دانش نوآورانه مبتنی بر منابع وحيانی	دانش پیشرفته مبتنی بر منابع وحيانی	دانش پایه مبتنی بر منابع وحيانی
عقلانی	دانش نوآورانه مبتنی بر منابع عقلانی	دانش پیشرفته مبتنی بر منابع عقلانی	دانش پایه مبتنی بر منابع عقلانی
تجربی	دانش نوآورانه مبتنی بر منابع تجربی	دانش پیشرفته مبتنی بر منابع تجربی	دانش پایه مبتنی بر منابع تجربی

و در ادامه به منظور شفاف‌سازی و نزدیک شدن به مفاهیم عینی‌تر، محقق بر آن شد تا از طریق بسط ستونی اهداف و نیازهای دانشی عرصه پاسداری از انقلاب اسلامی و ضرب آن بر مفاهیم نه‌گانه ماتریس فوق، ماتریس زیر را تولید و ارائه کند:^۱

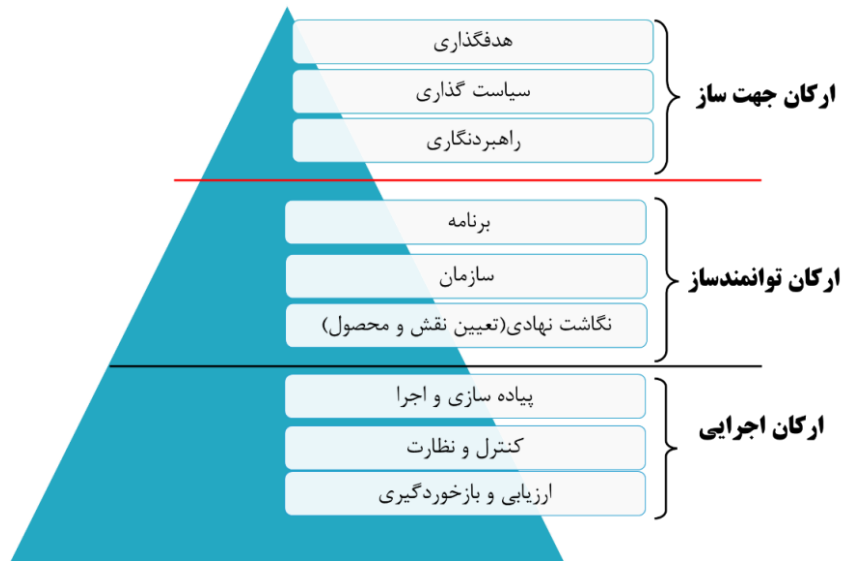
۱. لازم به ذکر است با این روش می‌توان با بسط سطری و ستونی ماتریس دوبعدی تا عینی‌ترین لایه، مفهوم دانش پاسداری را در قالب نقشه اهداف دانش پاسداری از انقلاب اسلامی به صورت شفاف و دقیق ترسیم نمود که بر اساس آن مدیران راهبردی دانش در عرصه انقلاب اسلامی، نقاط تمرکز و راهبردهای تولید دانش را تعیین و بر اساس آن بسته‌های کاری لایه‌های راهبردی و تاکتیکی را تعیین و وظایف نهادی سیاستگذار، پیاده‌ساز و اجرایی را روشن نمایند.

جدول ۵: بسط ستونی اهداف و نیازهای دانشی عرصه پاسداری از انقلاب اسلامی و ضرب آن بر مفاهیم نه‌گانه ماتریس

دانش نوآورانه و حیاتی	دانش نوآورانه عقلانی	دانش نوآورانه تجربی	دانش پیشرفته و حیاتی	دانش پیشرفته عقلانی	دانش پیشرفته تجربی	دانش پایه و حیاتی	دانش پایه عقلانی	دانش پایه تجربی
دانش نوآورانه و حیاتی برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش نوآورانه عقلانی برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش نوآورانه تجربی برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی
دانش نوآورانه و حیاتی برای مقابله تهدیدات	دانش نوآورانه عقلانی برای مقابله تهدیدات	دانش نوآورانه تجربی برای مقابله تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی تهدیدات	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی تهدیدات
دانش نوآورانه و حیاتی برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی	دانش نوآورانه عقلانی برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی	دانش نوآورانه تجربی برای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته عقلانی انقلاب اسلامی	دانش پایه و حیاتی پیشرفته تجربی انقلاب اسلامی

ج) بعد ارکان:

مؤلفه‌های بعد ارکان، زمان‌ساز هستند؛ یعنی ناظر به تکامل موضوع هستند. لذا مؤلفه‌های بعد ارکان مجموعه عواملی هستند که بیشترین نقش را در تکامل موضوع دارا هستند؛ به عبارت دیگر مؤلفه‌های بعد ارکان بیرون از موضوع هستند اما مؤثر بر تحول و تکامل آن می‌باشند. از این رو، در این بخش، با بررسی ادبیات مدیریت راهبردی دانش و سایر اسناد مرتبط با مدیریت راهبردی، کدهای آزاد مدیریت راهبردی با تاکید بر حوزه تولید دانش، استخراج شده است. پس از استخراج کدها و اخذ نظرات ۱۱ نفر از خبرگان و متخصصان مسلط به مباحث طرح شده، مؤلفه‌های بعد ارکان «الگوی مدیریت راهبردی تولید دانش» عبارتند از: «ارکان جهت‌ساز، ارکان توانمندساز و ارکان اجرایی» که در قالب نظام موضوعات مدیریت راهبردی تولید دانش در شکل زیر ارائه می‌شود:



شکل ۱- **Error! No text of specified style in document.** نمای مدل اندیشه راهبردی (نگارنده)

در ادامه از آنجا که الگو براساس این اصل تنظیم شد که مؤلفه‌ها نباید به صورت بخشی از یکدیگر منفک بوده و تأثیر هر مؤلفه روی سایر مؤلفه‌ها و کل باید مشخص شود؛ بنابراین، اوصاف «ارکان، محتوا و آثار» به یکدیگر مقید شد؛ به طوری که اوصاف مرکبی تشکیل شدند که هر وصف متشکل از سه قید است؛ قید اول آن مربوط به اوصاف ارکان، قید دوم آن مربوط به اوصاف محتوا و قید سوم آن مربوط به اوصاف آثار است.

طریق ساختن اوصاف مرکب بدین ترتیب است که در یک جدول ماتریسی اوصاف ارکان را در سطر اول به عنوان مضاف، اوصاف محتوا را در سطر دوم به عنوان مضاف الیه اول و اوصاف آثار را در ستون به عنوان مضاف الیه دوم قرار داد و به یکدیگر اضافه کرد. این نحو جای‌گذاری، اولویت‌بندی آن‌ها را نیز نسبت به یکدیگر نشان می‌دهد. حاصل این اضافه؛ به دست آمدن ۲۷ وصف سه قیدی به شکل زیر است:

جدول ۶: الگوی (وصفی) مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی به صورت ماتریسی

ارکان تولید	جهت ساز			توانمندساز			اجرائی	
	دانش نوآورانه	دانش پیشرفته	دانش پایه	دانش نوآورانه	دانش پیشرفته	دانش پایه	دانش پیشرفته	دانش پایه
پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان جهت ساز تولید دانش نوآورانه	ارکان جهت ساز تولید دانش پیشرفته	ارکان جهت ساز تولید دانش پایه برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان توانمندساز تولید دانش پایه برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان اجرائی تولید دانش پیشرفته برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی	ارکان اجرائی تولید دانش پایه برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی
مقابله با تهدیدات	ارکان جهت ساز تولید دانش نوآورانه برای مقابله با تهدیدات	ارکان جهت ساز تولید دانش پیشرفته برای مقابله با تهدیدات	ارکان جهت ساز تولید دانش پایه برای مقابله با تهدیدات	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای مقابله با تهدیدات	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای مقابله با تهدیدات	ارکان توانمندساز تولید دانش پایه برای مقابله با تهدیدات	ارکان اجرائی تولید دانش پیشرفته برای مقابله با تهدیدات	ارکان اجرائی تولید دانش پایه برای مقابله با تهدیدات
حفظ دستاوردها	ارکان جهت ساز تولید دانش نوآورانه برای حفظ دستاوردها	ارکان جهت ساز تولید دانش پیشرفته برای حفظ دستاوردها	ارکان جهت ساز تولید دانش پایه برای حفظ دستاوردها	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای حفظ دستاوردها	ارکان توانمندساز تولید دانش پیشرفته برای حفظ دستاوردها	ارکان توانمندساز تولید دانش پایه برای حفظ دستاوردها	ارکان اجرائی تولید دانش پیشرفته برای حفظ دستاوردها	ارکان اجرائی تولید دانش پایه برای حفظ دستاوردها

نسبت بین مؤلفه‌ها در این الگو بدین‌گونه است که مؤلفه‌های ارکان («ارکان جهت‌ساز، ارکان توانمندساز و ارکان اجرائی») که در سطر بالایی جدول است، نسبت به مؤلفه‌های محتوا («دانش نوآورانه، دانش پیشرفته و دانش پایه») که در سطر ذیل الگو قرار دارد، دارای اولویت است و مؤلفه‌های محتوا نسبت به مؤلفه‌های آثار («حفظ دستاوردها، مقابله با تهدیدات (سخت، نیمه سخت و نرم) و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی») که در ستون قرار دارد از اولویت بیشتری برخوردار هستند. در داخل جدول هر ستون و سطر نسبت به ستون و سطر بعدی از اولویت بیشتری برخوردار است. همچنین در هر سه مؤلفه، مؤلفه اول نسبت به مؤلفه دوم و مؤلفه دوم نسبت به مؤلفه سوم دارای اولویت است. بدین‌ترتیب در سه وصف «ارکان جهت‌ساز، ارکان توانمندساز و ارکان اجرائی»، ارکان جهت‌ساز نسبت به ارکان توانمندساز و ارکان توانمندساز نسبت به ارکان اجرائی دارای اولویت است. در سه وصف «دانش نوآورانه، دانش پیشرفته و دانش پایه» دانش نوآورانه نسبت به دانش پیشرفته و دانش پایه دارای اولویت است. در سه مؤلفه «پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، مقابله با تهدیدات (سخت، نیمه سخت و نرم) و حفظ دستاوردها»، «پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی نسبت به مقابله با تهدیدات و مقابله با تهدیدات نسبت به حفظ دستاوردها» دارای اولویت است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این تحقیق، سعی شد به صورت هدفمند و نظام‌مند با جستجو و مرور ادبیات مدیریت راهبردی دانش، تدابیر و اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، ابعاد و مولفه‌های موثر بر تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی در قالب الگوی مفهومی و وصفی ارائه شود و با بهره‌مندی از

روش تحقیق تکاملی در یک چارچوب کلان ابتدا ابعاد متصور از مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری از انقلاب اسلامی را تبیین و سپس با رویکرد استقرایی از تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر اندیشه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی، اسناد بنیادین انقلاب اسلامی و پاسداری از آن و سایر اسناد بالادستی مرتبط و همچنین مرور ادبیات مدیریت راهبردی دانش و ...؛ نسبت به تبیین مفاهیم، سازه‌ها، ابعاد، مولفه‌ها و نظام موضوعات عرصه مدیریت راهبردی تولید دانش پاسداری در قالب الگو اقدام کرده و در نهایت الگویی سه وجهی در ابعاد سه گانه آثار، محتوا و ارکان ارائه نماید و حفظ دستاوردها، مقابله با تهدیدات و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی را در ذیل آثار (پاسداری از انقلاب)؛ انواع دانش پاسداری در سه نوع دانش حل مساله (پایه)، دانش هوشمندساز (میانبر) و دانش تمدن‌ساز (نوآورانه) را ذیل محتوا تعریف کرده و در چارچوب ماتریسی دو بعدی در یکدیگر ضرب نموده و با تولید سازه‌های جدید، ابتدا سطح کلان نقشه نیازمندی‌های دانشی پاسداری از انقلاب را ترسیم و سپس با تعیین مولفه‌های جهت‌ساز، توانمندساز و اجرایی در ذیل ارکان، بسته فعالیت‌های ۲۷ گانه برای مدیریت راهبردی تولید دانش‌های مورد نیاز عرصه پاسداری را پیشنهاد کند.

با توجه به آنچه گذشت، محقق پیشنهادهای را نیز برای تحقیقات آتی به شرح ارائه کرده است:

(۱) با روش تحقیق تکاملی می‌توان با بسط سطری و ستونی ماتریس دوبعدی تا عینی‌ترین لایه، مفهوم دانش پاسداری را در قالب نقشه اهداف دانش پاسداری از انقلاب اسلامی به صورت شفاف و دقیق ترسیم کرد که بر اساس آن مدیران راهبردی دانش در عرصه انقلاب اسلامی، نقاط تمرکز و راهبردهای تولید دانش را تعیین و بر اساس آن بسته‌های کاری سطوح راهبردی و تاکتیکی را مشخص و وظایف نهادهای سیاست‌گذار، پیاده ساز و اجرایی را روشن نمود.

(۲) بر اساس الگوی طراحی شده در این تحقیق، نهادهای سیاست‌گذار این امکان را می‌یابند که با تشکیل کارگروه‌های تخصصی متشکل از نخبگان علمی و خبرگان سازمانی مبتنی بر دستگاه فکری واحد در راستای نیازسنجی و تعیین اولویتها و نقاط تمرکزی گام برداشته و با هدف دستیابی به راهبردهای اساسی، الزامات مورد نیاز و راهکارهای اجرایی با یکدیگر تفکر و اندیشه‌ورزی کرده و در قالب طرح راهبردی ارائه نمایند.

(۳) نهادهای دانشی و پژوهشی عمده تلاش خود را در راستای تولید دانش پاسداری در محورهای زیر معطوف دارند:

نظریه‌پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در راستای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی در عرصه علم و پژوهش/ معنویت و اخلاق/ اقتصاد/ عدالت و مبارزه با فساد/ استقلال و آزادی/ عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن/ سبک زندگی.

نظریه‌پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در راستای مواجهه هوشمندانه با تهدیدات ناشناخته و پیچیده چندوجهی (ترکیبی) پیش روی انقلاب اسلامی در تراز محلی، شهری، استانی، منطقه‌ای، ملی، جهان اسلام و جبهه مقاومت؛ نظریه‌پردازی، الگوسازی و تدوین راهبردهای اساسی مبتنی بر مبانی و حیانی، عقلانی و تجربی در راستای حل مسائل و نیازهای دانشی انقلاب اسلامی در عرصه حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی؛

لازم به ذکر است با شرح تفصیلی‌تر محورهای فوق امکان تدقیق عناوین پژوهشی وجود دارد که در این مجال نمی‌گنجد

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۷). توسعه دانش: چگونگی اسلامی سازی علوم انسانی. رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
- پیروزمند، علیرضا و جهانبخش، عباس (۱۳۹۷). مبانی و روش تحقیق تکاملی در علوم انسانی. کنگره بین-المللی علوم انسانی - اسلامی.
- پیروزمند، علیرضا و علیخانی مهرجردی، محمد حسین (۱۳۹۶). الگوی بومی ارتقاء کیفیت کالاهای فرهنگی. چهارمین همایش ملی ارتقاء کیفیت، آثار، محصولات و فعالیت های فرهنگی.
- تاج آبادی، حسین (پاییز ۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی مبانی دانش در اسلام و غرب. *فصلنامه مطالعات بین رشته‌ای دانش راهبردی*، ۴ (۱۶).
- چهاردولی، عباس و همکاران (۱۳۹۷). الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی (ص). *کارگروهی*، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
- چهاردولی، عباس (۱۳۹۴). کاربستی عملیاتی در کاربردی سازی علوم انسانی اسلامی: ارایه الگوی مهندسی فرهنگی راهبردی با رویکرد سیستمی بر مبنای اندیشه های رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه‌ای (مدظله العالی). *مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی*، ج ۳، تهران، انتشارات آفتاب توسعه.
- چهاردولی، عباس (۱۳۹۲). طراحی الگوی مدیریت راهبردی تعاملی بر مبنای رویکرد سیستمی با نگرش الهی. رساله دکتری، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
- حسینی، رضا و همکاران (۱۳۹۱). عوامل کلیدی موفقیت مدیریت دانش. چاپ سوّم، تهران انتشارات آتی-نگر.
- حمیدزاده و همکاران (۱۳۵۹). ارائه الگوی تدوین تجارب راهبردی مدیریتی نظام جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مدیریت دانش. *مطالعه گروهی*، دانشگاه دفاع ملی.
- رشید حاجی خواجه‌لو، صالح (تابستان و پاییز ۱۳۹۰). به سوی پارادایمی جدید از علم: تأملی انتقادی در باب ماهیت فراعلمی الگوی دوّم تولید علم، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
- رضاییان، علی و چهاردولی، عباس (۱۳۹۱). مدل نهایی کاربردی سازی علوم انسانی اسلامی در حوزه مدیریت (مدل بومی). *فصلنامه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی صدر*، شماره ۲.
- شاهچراغی، وحید (۱۳۹۵). الگوی مدیریت راهبردی دانش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی
- شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۳). سیاست ها و اولویت های پژوهش و فناوری کشور.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). نقشه جامع علمی کشور.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲). سند دانشگاه اسلامی.

- طهماسب کاظمی، بهروز (۱۳۹۵). طراحی الگوی راهبردی مدیریت دانش در تدوین تجربیات نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
 - عابدی، احمد (۱۳۹۱). فرآیند و روش مدل سازی در مباحث مرحوم استاد سید منیرالدین حسینی هاشمی. چاپ داخلی فرهنگستان علوم انسانی.
 - فاطمی امین، سید رضا (۱۳۹۷). تدوین چارچوب مدیریت تولید علم در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. رساله دکتری، دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
 - قداقی، محمد (۱۴۰۰). درسنامه نظریه پردازی. دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده مدیریت راهبردی.
 - کشتکار، مهران (۱۳۹۹). مدل مفهومی رابطه بین نوآوری اجتماعی و مدیریت دانش با رویکرد فراترکیب.
- فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی، ۱۰ (۳۹)، ۴۵۲-۴۲۱.**
- کشتکار و نریمانی (۱۳۹۲). بررسی الگوهای مدیریت دانش و ارائه مدلی برای تدوین استراتژی دانش در یک مرکز تحقیقاتی. **فصلنامه علوم و فنون نظامی، ۹ (۲۳)، ۵۴-۲۷.**
 - مطالعه گروهی دوره چهارم مدیریت راهبردی دانش (۱۳۹۷). ارائه الگوی مدیریت راهبردی دانش با تکیه بر اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه وآله وسلم). تهران، دانشکده مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
 - مطیع، حسین و یآوری، سوده (تابستان ۱۳۹۱). ملاک علم نافع در دانشگاه اسلامی براساس قرآن و احادیث. **فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۶ (۵۱).**
 - مظفری، فاروق امین (۱۳۸۹). الگوی جدید برای تولید دانش. مندرج در: چکیده مقالات همایش بین‌المللی علوم انسانی در ایران، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
 - منطقی، محسن و اکبری، طاهر (۱۳۹۲). مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی. **فصلنامه اسلام و پژوهش-های مدیریتی، ۳ (۷).**
 - موسی‌خانی، محمد و همکاران (۱۳۹۲). مدیریت دانش دینی (دین‌بنیان): طرح مسأله «مدیریت دانش» در «تمدن دینی». **دوفصلنامه اسلام و مدیریت، ۲ (۳).**
 - میرباقری، سید محمدمهدی (۱۳۸۷)، جهت‌داری علوم از منظر معرفت‌شناختی. چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
 - نجاران طوسی، حامد (۱۳۹۶). طراحی الگوی دانشگاه‌تراز انقلاب اسلامی مبتنی بر نگاه امامین انقلاب اسلامی. رساله دکتری، دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دانشکده مدیریت و برنامه‌ریزی.
 - نعمتی شمس‌آباد، حسن‌علی (۱۳۹۷)، مبانی و نظریه مدیریت دانش دین‌بنیان و کاربردهای آن. چاپ اول، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - نعمتی شمس‌آباد، حسن‌علی (۱۳۹۳). تبیین مبانی نظری مدیریت دانش: برگرفته از قرآن حکیم و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام. رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت.

- هیسلوپ، دونالد (۱۳۹۳). مدیریت دانش در سازمان با رویکرد اجتماعی - فرهنگی. مترجمان عباس منوریان، ناصر عسکری، چاپ اول، تهران، سازمان مدیریت صنعتی.

ب. منابع انگلیسی

- Dalkir, K (2005). *Knowledge Management in Theory and Practice*. Elsevier Publication
- Davenport, T. and Prusak, L, (1998). *Working knowledge, how organizations manage what they know*, Harvard Business School Press, Boston, MA.
- Davenport, T. H., Lurance, P (2000). *Working Knowledge how organization manage what they know*, Harvard Business School, USA.
- Drucker, P (1992). *Managing for the future: The 1990s and beyond*, New York: Truman.
- Lindgreen, A., Palmer, R., and Vanhamme, J (2004). Contemporary marketing practice: theoretical propositions and practical implications, *Marketing Intelligence and Planning*, Vol. 22 No. 6, pp. 673-692. (ISSN • 263-45•3).
- Nonaka, I. & H. Takeuchi (1995). *The knowledge-creating company*, Oxford University Press, Oxford
- Zack, M. H (1999). Developing Knowledge strategy, *California Management Review*, Vol. 41, No. 3, Spring 1999, pp. 125-145.
- zack, MH. (1999). Developing a knowledge strategy, *California management review*, vol. 41,no.3.pp. 125-45

